

صحبت از میزهای احتمالی شد؛ اجازه بدهید بیرسم در شبکه نمایش خانگی معمولا سازندگان، یک سری خطوط قرمز را رعایت نمی کنند که این موضوع در تلویزیون اتفاق نمی افتد. آیا قرار است سریال «مانکن» حرف هایی بزند که در مديوم تلویزیون قابل بیان نیست و یا هدف خاصی پشت این قصه است؟!

خیر؛ ما سعی نکردیم یک تریبون جدا پیدا کنیم که یک نقد سیاسی یا اجتماعی خاص بکنیم؛ این تصور غلطی است و ما هیچ وقت به این فکر نمی کنیم که تریبون جدیدی به نام رسانه وجود دارد که ما از آن طریق حرف هایمان را بزنیم. صرفا احساس کردیم رسانه تصویری یک فضای جدیدتر و خاستگاه تازه تری برای ارایه این قصه است. چون مخاطب تلویزیون طیف گسترده ای دارد و دارای سلیقه مختلفی است برای این که در طیف گسترده بتوانید سلیقه مختلف را راضی نگه دارید باید قصه ای عمومی تر بسازیم و لطافت بیشتری به موضوعات بپردازیم اما در رسانه تصویری چون طیف مخاطب، طیف خصوصی تری است و انتخاب می کند که پول بدهد و سریال را بخرد تا حدودی می توان جسورانه تر و خاص تر حرف زد. احساس کردیم در این مديوم راحت تر می توانیم قصه را ارایه کنیم و مثلا عشق بین «همتا» و «کاوه» عشق صمیمانه تری است تباط «کاوه» و «کتی» و یا همان وجه قصه هایی که ما به آن اشاره کردید در فضای رسانه قابل پرداخت تر است چون تلویزیون هم مخاطب را در نظر می گیرد و هم بر اساس مخاطب، قوانین را تنظیم می کند. ممکن بود به ما گفته شود چرا بحث تحمل گرایی را عنوان می کنید و ما چون احساس کردیم ممکن است به مسائلی از این جنس برخورد کنیم رسانه تصویری را انتخاب کردیم اما مضمون اخلاقی که قصه دارد کاملا با آنچه در این سال ها در تلویزیون کار کردیم یکی است و فقط مديوم پخش تفاوت دارد.



ما در شبکه نمایش خانگی آن دقت، وسواس و خطوط قرمزی که در سینما و تلویزیون وجود دارد را نداریم و به همین دلیل در سینما و تلویزیون گاهی اوقات داستانک های یک فیلمنامه را حذف می کنند برای این که بتوانند آن را اجماع شده به مخاطب ارایه کنند. با توجه به بخش از شبکه

ExpertSoft Trial Version

واقعیت این است که ما با اعتماد همراه با نظری که وزارت ارشاد بر روند داستان گویی ما داشت توانستیم آنچه از داستان گویی و قصه می خواستیم را هم در نگارش و هم در اجرا با کمترین اصطکاک روایت کنیم. هر چند مواردی بود که گاهی افسوس می خورم که ای کاش فلان مورد بود اما راستش را بخواهید در آن میزانی نبود که بگوییم در روند داستان خلل ایجاد کرد. مثلا یک شخصیت فرعی یا یک داستانکی بود که نظر ارشاد بر این بود به این شکل نباشد و به شکل دیگری باشد و ما این کار را انجام دادیم. در حال حاضر که من با شما صحبت می کنم قسمت چهارم از سریال «مانکن» پخش شده است و تا به اینجا آنچه را که خواستیم توانستیم به مخاطب ارایه دهیم اما پیشاپیش این را می گویم که «مانکن» چه اثر خوبی باشد و چه اثر نقدپذیری باشد به ما به عنوان سازندگان سریال برمی گردد و این فراقنی هایی که می کنند که مثلا اگر سانسور نبود فلان و بهمان می شد اصطلاحا از سر باز کردن است. برآیند «مانکن» هر چه باشد ما حاصل فکر سازندگان است و وزارت ارشاد کمال همراهی را با ما داشت و اگر نقدی هست متوجه ما به عنوان سازندگان است و هیچ خرده ای به وزارت ارشاد نیست. تاکید می کنم وزارت ارشاد به ما اعتماد همراه با نظارت داشت که از نظر من بهترین شیوه مدیریتی است.

که محمدرضا فروتن در آن نقش آفرینی می کنند دو ضلع دیگر می شوند و قصه، یک مربع را تشکیل می دهد. این دو کاراکتر همان دو ضلع دیگری هستند که در مناسبات اقتصادی عجیب و غریبی که وجود دارد به غل و زنجیر کشیده می شوند. زمانی که این کار را می نوشتم حتی برای نمونه های سینمایی داخلی اش هم حضور ذهن نداشتم چه برسد به خارجی و خیلی به این فکر نمی کردم چنین کاراکتری که یک زن میان سال است خواهد پولی بدهد و جوانی را بخرد، کار شده است که اگر کار شده باشد هم کلا متمرکز روی همین است، در حالی که قصه ما، قصه عشق دو جوان است با تمام فرازاها و فرودهایی که در راه رسیدن به هم دارند. قصه «مانکن»، قصه ای بود در ستایش عشق. دلم می خواست در پایان سریال این ذهنیت برای مخاطب امروزی ایجاد شود که عشق چیز خوبی است. تلاش برای رسیدن به عشق چیز خوبی است. می خواستیم در این سریال پاسداشتی از عشق داشته باشیم، برای همین، شباهت برایمان مهم نبود چون من می دانستم قرار است قصه به کدام سو برود در عین حال نمونه جدی با این هسته اصلی در ذهن هیچ کدام از اعضای اتاق فکر ما نبود.

زمانی که ایده نگارش فیلمنامه سریال «مانکن» به ذهن شما و عوامل اصلی رسید چرا فکر کردید که باید این سریال را از طریق شبکه نمایش خانگی ارایه کنید؟ آیا لزوما زمانی که یک قصه به فضای باز تری احتیاج دارد ما به سراغ شبکه نمایش خانگی می رویم؟ پارامترهای دیگری هم در این موضوع وجود دارند؟

به همین دلیلی که شما به آن اشاره کردید، احساس کردیم که این قصه به این شکل و شمایل که ما در حال روایت آن هستیم شاید برای پخش از تلویزیون مناسب نباشد یا مسائلی در آن عنوان شود که یک قدم جلوتر برود و ما بعدا نتوانیم آنچه می خواستیم را به درستی به تصویر بکشیم به همین دلیل احساس کردیم اگر سریال را در این رسانه کار کنیم، کار بهتری است و دست ما می تواند برای اشارات و پرداخت روابط نامناسبی که در جامعه وجود دارد بازتر باشد. به عنوان مثال شاید اگر ما می خواستیم بحث ازدواج «کاوه» و «کتی» را از طریق تلویزیون ارایه کنیم عنوان می کردند که در شرایط فعلی مناسب پخش از تلویزیون نیست!

